

نمایشنامه‌های ننگین در ننگین تاریخ

(قسمت اول - صبا)

دولت اسلامی

رئیس دولت صبغت‌الله مجددی ۲۷ اپریل ۱۹۹۲ -

۲۸ جون ۱۹۹۲

رئیس دولت برهان‌الدین ربانی ۲۸ جون ۱۹۹۲ -

۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶

حکومت طالبان

ملا محمد عمر ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ - ۱۳ نوامبر

۲۰۰۱

دولت اسلامی

رئیس دولت برهان‌الدین ربانی ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ -

۲۲ دسامبر ۲۰۰۱

اداره موقت

رئیس حامد کرزی ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱

دولت انتقالی اسلامی

رئیس حامد کرزی ۷ دسامبر ۲۰۰۴

جمهوری اسلامی

رئیس جمهور حامد کرزی تا اکنون.



سوگمندانہ غرب در سال ۲۰۰۱ این فرصت را داشت که به افغانستان برای رسیدن به صلح کمک کند. اما کوتاه نظری و حسادت و امتیازخواهی بر جستجو برای یافتن راه حلی برای مشکلات سیاسی پیشی گرفت و همین امر منجر به بازگشت طالبان شد.

غریب‌ها با پندار دشمن دشمن من دوست من است، جنگ سالاران فراری را به عنوان همکاران خود برگزیدند. آنها گمان می‌کردند که این گزینه نیاز به حضور امریکایی‌ها را در صحنه کاهش می‌دهد. اما در واقعیت این کار آنها به مثابه سمت‌گیری در یک جنگ داخلی دوامدار بود. این تفنگداران فراری و جی‌اولگر و جنگ‌سالار محبوبیتی بین مردم نداشتند و بیشترشان متهم به جنایات جنگی هستند. امریکا و بریتانیا، به جای این‌که این افراد را کنار بزنند، به آنها پول و اسلحه داد و به زعم خود آنها را متحد خود ساخت. همین افراد، که اکنون بخشی بزرگی از قدرت را در دولت در دست دارند، یک عامل عمده نگرانی مردم افغانستان هستند. استفاده از جنگ‌سالاران برای مبارزه با القاعده و طالبان، منجر به هرج و مرج

و از هم گسیختن بافت‌های اجتماعی شده است. در سال ۲۰۰۲، من در لویه جرگه اضطراری برای تاسیس حکومت موقت افغانستان در کابل حضور داشتم و از نزدیک شاهد آن بودم که چطور به جنگسالاران قدرت سیاسی و قانونی داده شد. به این ترتیب زورمندان به قدرت بازگشتند و همراه با خود فساد اداری، ناامنی اختلافات، فقر و خشونت و فرهنگ معافیت از مجازات را به ارمغان آوردند.

حقوق بشر در نیویارک، با نشر یک گزارش تازه گفته است که حکومت افغانستان به رهبری حامد کرزی به جنگسالاران و ناقضان حقوق بشر و مقامات مفسد اجازه داده است تا در رده‌های بالایی حکومت کار کنند. شدوزورگویان و جنگسالاران باگذشت هرروز به قدرت بیشتر دست پیدا میکنند و بر سرنوشت مردم حاکم میشوند. فرانسوی و ندرل نماینده خاص اتحادیه اروپا در افغانستان، درسمینار افغانستان در پارلمان فنلند اظهار داشتند که ما برای جلوگیری از نقض حقوق بشر می‌خواهیم که ناقضین حقوق بشر و جنگسالاران دیگر بر سر قدرت نباشند، ولی عملاً دیده می‌شود که جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در قدرت شریک اند و همچنان برای شرکت عده‌ی دیگر از آنها مانند طالبان تلاش بخرج داده می‌شود. طالبان هنوز هم دست از جنایات خود بر نداشته و هرروز به کشور زیانهای سنگین جانی و مالی می‌رسانند و امنیت ملی را به خطر می‌اندازند، ولی ریس دولت آنان را برادر میخوانند. تروریستان بین المللی، طالبان، حزب اسلامی و افراد فساد پیشه و منفعت طلب دوباره تجدید قوا کرده و هرروز فاجعه می‌آفرینند. مردم مظلوم، خسته از جنگ و تاراج شده، می‌گویند که خانه‌های بزرگ با زرق و آسمانخراش‌های مجلل در پایتخت و ولایات نمونه انکارناپذیر فساد اداری و چپاولگری ملی در دولت می‌باشد و قصرهای شاهانه و چند منزله با تزیینات خیره‌کننده در کشور بنام قصرهای چوروچپاول یاد می‌شوند و به نظر مردم کسانی مالک این قصرها اند که در جنایات و فساد اداری دست دارند. اکثریت این خانه‌ها در شیرپور اعمار شده‌اند، که مردم آن را بنام‌های شیرچور و چورپور مسما نموده‌اند. که با چنین یک فرهنگ چپاولگری و معافیت در رده‌های بالای حکومت، مردم چه‌گونه می‌توانند از این دولت حمایت کنند. غصب زمین‌ها و اعمار خانه‌های مجلل و بلند منزل‌ها به گفته مردم، تیشه طالبان را دسته می‌دهد و آنها مردم را تشویق می‌کنند که از چنین یک حکومت فاسد متنفر باشند.

ثروتمند شدن تعداد فساد پیشه و چپاولگر از یکجانب و حاکمیت شرکت‌های امنیتی و انجوه‌های داخلی و خارجی شرایط را برای مردم ناممکن ساخته است، داشتن خانه شخصی برای مردم امکان‌پذیر نیست، زیرا نرخ خانه‌ها بیش از حد بلند رفته است. از سال دوهزار و یک میلادی تا اکنون یعنی بعد از سقوط نظام طالبان، شصت میلیارد دالر کمک به کشور سرازیر شده که صدها میلیون آن برای مصارف خارجی هابه مصرف رسیده و مقدار زیاد دیگر آن به شکلی از اشکال حیف و میل شده است. باوجود همه این فساد و خیانت و نظریه شکایات و ارثین قربانیان جنگی، راپور‌های بیشمار و مکرر کمیته حقوق بشر در ارتباط با جنایتکاران جنگی و تفنگسالاری و آنانی که طی سالیان دراز با قدرت تفنگ از هیچ نوع زور گوهی و ظلم و مردم‌آزاری چوروچپاول و حتی کشتار ملت ابا نورزیدند.

غصب و چوری زمین‌های شخصی و دولتی از سوی افراد و اشخاص زورمند از چند سال بدین سو از مشکلاتی است که نه تنها دامن مردم را در ولایات را گرفته، بلکه حکومت را نیز متأثر ساخته است.

ارقام منتشر شده از سوی شماری از نهاد‌های حکومتی بیانگر این واقعیت است که در جریان سال‌های اخیر چهار میلیون جریب زمین دولتی از سوی افراد قدرت‌مند غصب گردیده است. طبق ارزیابی انجام شده، غصب و به تصرف درآوردن

زمین‌های دولتی به شکل گسترده‌ی آن در شماری از ولایت‌های کشور از سوی افراد زورمند هنوز هم ادامه داشته و از آن جلوگیری نگردیده است. به باور منتقدین، سکوت حکومت در برابر مافیای زمین سبب گردیده، تا زمین خواران کما فی سابق به اشغال زمین‌های دولتی و عامه مبادرت ورزند.

غصب زمین‌های دولتی، شخصی، مناطق عام المنفعه و خانه‌سازی‌های خود سرانه در افغانستان افزایش یافته است. مقامات می‌گویند که اکثر این زمین‌ها از سوی زورمندان که به گفته آنها بسیاری آنان فرماندهان سابق هستند، غصب شده است. وزیر توسعه شهری می‌گوید که دولت جدا در پی حل و فصل زمین‌های غصب شده توسط فرماندهان و زورگویان است. مساله غصب زمین در افغانستان به یک مشکل بسیار جدی تبدیل شده و دولت هنوز نتوانسته این مشکل را حل کند. مردم معتقداند برای غاصبین زمین و مافیای زمین ارگان‌های قضایی و عدلی اسناد تهیه می‌کند مردم عادی غاصب نیست، تازمانی که مافیای فساد اداری را گم نه کنید غاصبین گم نمی‌شوند.

در طول تاریخ افغانستان به اندازی که در این دوره زمین غصب شده است در دوره جنگ‌های داخلی که شصت تاهفتاد هزار نفر کشته شدند غصب نه شده بود. همین ولسوالان و قوماندان‌های جهادی زمین‌ها را غصب می‌کنند که زور دارند غریب‌ها کجا توان غصب کردن را دارند.

در ولایت غزنی حدود بیست هزار جریب زمین از سوی زورمندان غصب و زمین‌های غصب شده و بعد از یکبار فرنش دوباره از طرف زورمندان به بهای بلند به مردم به فروخته شده و تا کنون کسی از آن هیچ نپرسیده است.

مسوولین ادارات حقوقی می‌گویند- جمعاً نزدیک به یکصد و پنجاه و چهار هزار جریب زمین دولتی از سوی زورمندان غصب گردیده است. قبالة‌های مثنی و یا اسناد تخمینی که از سوی حکومت‌های قبلی ترتیب شده بود، با اراضی که منابع آبی آن را کاریز و یا چشمه‌ها تشکیل می‌داد تطبیق می‌گردید، حالا فرصت خوبی را به دست مافیای زمین داده و با استفاده از این قبالة‌ها که حدود آن ساحات وسیع را در بر می‌گیرد، هزارها جریب زمین دولتی و حتا ملکیت‌های وقفی که ساحات باستانی، هدیره‌ها و زیارت‌گاه‌ها شامل آن می‌باشد، از سوی غاصبان تصرف گردیده است. حکومت در بازپس‌گیری ملکیت‌های غصب شده بسیار ناتوان بوده، فقط توانسته است در حدود ده هزار جریب زمین غصب شده را دوباره باز پس گیرد. جلوگیری از تداوم غصب زمین‌های دولتی در صورتی ممکن می‌باشد که این زمین‌ها به مردم کشور توزیع گردد. در غیر این صورت جلوگیری از غصب زمین‌ها خیلی‌ها دشوار است. ضعف حاکمیت دولت یگانه عاملی که غاصبان زمین را بیش از پیش به این کار تشویق می‌کند.

مردم می‌گویند- عدم تطبیق قانون از سوی حکومت را نیز یکی از عواملی خواند که زمینه را برای مافیای زمین فراهم ساخته تا هرچه خواستند انجام بدهند، چون در هر منطقه زورمندان حاکم اند و هرچه می‌خواهند، انجام می‌دهند.

گزارش‌هایی نیز از غرب کشور حاکی است که زمین‌خواران بیش از شصت و پنج هزار جریب زمین را در ولایت هرات هنوز هم در تصرف خویش دارند. در سال‌های اخیر بیش از یکصد و ده هزار جریب ملکیت ریاست زراعت از سوی زورمندان غصب شده بود. پس از تلاش‌های زیاد بخشی از این زمین‌ها دوباره به دست آمده، اما تا کنون حدود شصت و پنج هزار جریب از ملکیت‌های ریاست زراعت در تصرف زورمندان قرار دارد. بیشتر زمین‌های غصب شده در ولسوالی‌های انجیل، گذره، غوریان، زنده جان و چشت شریف ولایت هرات می‌باشد که مقامات تلاش دارند، روند بازپس‌گیری آن را آغاز کنند.

مقامات محلی هرات همچنان تایید می‌کنند، در حدودشصت جریب زمین دیگر را نیز از چنگ غاصبان زمین بیرون کشیده‌اند. این اراضی که مربوط اداره‌ی حج و اوقاف هرات است، بیشتر از سی میلیون دالر ارزش دارد. با این حال، یکتن از بزرگان قومی در ولسوالی شیندند هرات می‌گوید، شاروال هرات محمد سلیم تره کی نیز به جمع غاصبان پیوسته و بیش از سه هزار جریب زمین را در منطقه شمال سرک اسلام قلعه غصب نموده است. از سوی دیگر یافته‌های اداره مبارزه با فساد اداری نشان می‌دهد که به ارزش یکصد میلیون دالر ملکیت‌های دولتی توسط افراد زورمند در ولایت هرات غصب گردیده است که نام اسماعیل خان وزیر انرژی و آب نیز در ردیف غاصبان زمین دیده می‌شود.

عزیزالله لودین، رییس اداره مبارزه با فساد اداری می‌گوید- زمین‌های عبدالمجید خان زابلی که بنابر وصیت وی پس از وفاتش به دولت سپرده شده است، توسط محمد اسماعیل خان وزیر انرژی و آب و والی سابق هرات غصب شده است. در جریان سال روان شماری از بزرگان و موسفیدان قوم مومند در ولایت ننگرهار، والی و شماری از سرمایه‌داران را به غصب زمین‌های دولتی متهم کردند. این نمایندگان در يك کنفرانس خبری ادعا کردند که والی و شماری از سرمایه داران حدود بیست هزار جریب زمین دولتی را در مربوطات ولسوالی رودات ننگرهار به تصرفشان درآورده و روی آن کار می‌کنند. اداره مبارزه با فساد اداری می‌گوید، در جریان شش ماه نخست سال روان شماری از شهرک‌هایی که جدیداً در کابل اعمار گردیده، با ساختن اسناد جعلی سی و سه هزار جریب زمین دولتی را غصب نموده است.

با وجودی که این اداره از افرادی مشخصی نام نمی‌برد اما دست داشتن مقامات بلند پایه دولتی در غصب این ملکیت‌ها را رد نمی‌کند. عزیزالله لودین به رسانه‌ها گفته که برای بازپس‌گیری زمین‌های غصب شده، اراده قوی نیاز است تا جلوی غاصبین زمین گرفته شود. چیزی که به باور کارشناسان بارهاست از سوی این اداره عنوان شده اما تا اکنون هیچ‌گونه توجهی به این خواست‌ها نگریده و تمام این صداها ناشنیده باقی مانده است.

محمدامین فرهنگ، وزیر پیشین تجارت و صنایع می‌گوید- از حکومت کنونی نباید انتظار داشت، زیرا در جریان این ده سال به جز راه اندازی سروصدا و ساختن کمیون، هیچ کاری نکرده است.

فرهنگ، زمین‌های شیرپور را مثال زنده، از غضب زمین توسط زورمندان و افراد بلند پایه دولتی می‌خواند که با وجود باستانی بودن این منطقه هنوز قضیه نامعلوم است. به باور فرهنگ، شورای وزیران فیصله نمود تا افراد و اشخاصی که در این منطقه زمین دارد، در بدل هر بسوه زمین به نرخ روز سی و سه هزار دالر امریکایی به دولت پرداخت کند، اما این مبلغ پس از يك ماه چانه زنی به دوازده هزار دالر تقلیل یافت ولی دیگر سرنوشت آن معلوم نشد که کسی این مبلغ را به دولت تحویل داد یا خیر؟ در صورتی کم توجهی حکومت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد آشوبی میان غاصبان و عوام باشیم، در آن صورت حکومت توان جلوگیری آن را نخواهد داشت. غصب زمین به شکل گسترده‌ای همچنان ادامه دارد.

مافیا زمین درکشور از سالهای قبل به تدریج جان گرفت تا بشکل کنونی خود به مثابه یک هیولای وحشت ناک تبارز نمودند و در چند سال اخیر توانستند که این هیولا بالاهای خود را با لای ملکیت‌های عامه بگسترانند.

بنا بر ارقام ارائه شده حدود سه میلیون جریب زمین دولتی به صورت غیر قانونی توسط زورمندان غصب شده و روزانه نزدیک به هزار جریب زمین از سوی قدرتمندان و زورمندان غصب می‌گردد بیشتر موارد غصب زمین‌های دولتی در کابل و مناطق شمالی، رخ داده است. علل ظهور مافیای زمین در کشور را میتوان ناشی از سه دهه جنگ در کشور

دانیست و درین مدت زورمندان توانستند بر علاوه زمینهای دولتی زمین های شخصی را نیز بنام خود قلم بزدند. همچنان میتوان گفت که یکی از علت های رشد مافیای زمین در کشور عدم تطبیق قانون میباشد که دولت مردان نتوانستند قانون را تطبیق نمایند که این باعث آن گردید تا مافیای زمین قوس سعودی خود را بپیماید و به شکل کنونی آن در آید. به باور برخی آگاهان در جریان سال های جنگ، برخی از رهبران گروه های مسلح اقدام به غصب زمین های دولتی کرده و این زمینها ربه صورت ملکیت خصوصی خویش در آوردند. آنان این زمین ها را به مثابه غنایم جنگی و نوع امتیازات برای خود محسوب میکنند. فروش این زمینها و تهیه اسنادی جعلی که در بدل پرداخت پول به صورت غیر قانونی تهیه گردیده است، مشکل موجوده را پیچیده تر ساخته است

در بیشتر موارد افراد مسلح وابسته به دولت مسوول غصب زمین شناخته می شوند و به باور برخی آگاهان امور مافیای زمین در درون دولت افغانستان نیز ریشه دوانده است و از قدرت بالایی برخوردار هستند و این قدرت نمای مافیای زمین باعث شده است تا آنان بتوانند در برابر قانون از مصونیت برخوردار باشند.

سرانجام رییس جمهور کرزی جهت آوردن اصلاحات و از بین بردن فساد در ادارات دولتی، فرمانی را صادر نمود که براساس آن برای تمامی ارگان های دولتی ضرب الاجل در نظر گرفته شده است. اما شماری از مقامات ارگان های دولتی و نهادهای غیردولتی، برتطبیق آن به دیده شک و تردید می نگرند. این فرمان پس از آن صادر شد که کرزی در جلسه با اعضای ولسی جرگه تعهد سپرد که دیگر مصلحت گرایی را کنار گذاشته و از این پس با قاطعیت عمل خواهد کرد. برعکس بایزرگترین اشتباهی که در مورد تقریربسم الله بحیث وزیردفاع، کسی که ولسی جرگه به وزارت داخله اش رای عدم اعتماد داده بود و وی جفای بزرگی را مرتکب گردید. کرزی شخصی مصلحت گرا، معامله گر، بی تصمیم، مریض و محافظه گری است که جزا دور شدن از پست ریاست جمهوری راهی دیگری برای اصلاح اش وجود ندارد. در این فرمان کرزی از شورای ملی به عنوان عالی ترین ارگان تقنینی کشور تقاضا نموده تا در ایفای وظایف و اعمال و صلاحیت های شان با در نظر داشت مصالح ملی و منافع علیای کشور به پیشنهادهای عاجل و تقاضاهای مشروع و معقول حکومت ارجحیت داده و در عین حالی که از اعمال حکومت نظارت بعمل می آورد؛ در راه تعمیم سالم قوانین و تطبیق پروژه های انکشافی با حکومت مساعدت و همکاری نماید.

همچنین از شورای ملی خواسته شده تا در مدت چهارنیم ماه طرح ها و قوانین فرامین تقنینی و موافقت نامه های حکومت را تصویب نماید. اما صدور این فرمان در همان ساعات اولیه بحث و جدل هایی را در پارلمان به میان آورد. شماری از نمایندگان، آن را خنده دار خواندند، شماری از وکیلان میگویند- صدور این فرمان بسیار مضحک است، زیرا در جریان ده سال حکومت به اثبات رسانده که اراده ای برای از بین بردن فساد ندارد.

در این فرمان نوشته شده که وزارت خارجه طی سه ماه آینده تمام تخطی های قانونی، شکلی و محتوایی را که در موقع انعقاد موافقت نامه های بین المللی صورت گرفته مطالعه و لست وزارتخانه ها و اداراتی که بیش از دوبرار به تخطی از قانون و معاهدات بین الملل مبادرت ورزیده اند را به شورای وزیران ارایه نماید.

همچنین این وزارت طی مدت شش ماه آینده لست تمام نمایندگی های سیاسی به شمول آتشه های فرهنگی تجارتی و ترانسپورتی و نظامی، و تشکیلات و ضرورت آنها را به شورای وزیران گزارش دهد.

اولویت کاری در این فرمان به وزارت داخله دستور داده شده تا در مدت دوماه، تمام فیصله‌های محاکم بخصوص فیصله‌هایی که در رابطه به غصب ملکیت‌های عامه و خصوصی است را نهایی، و به آن وزارت ابلاغ و گزارش کتبی آن را به شورای وزیران ارایه نماید. همه آنانکه طی بیش از ده سال باکرزی آشنای دارند و با صادر نمودن چنین فرمانی نه تنها در امر مبارزه با فساد موفق نخواهد شد بلکه این پروسه را تخریب خواهد کرد. در این فرمان از لوی سارانوالی کشور خواسته شده است که در شش ماه آینده، تمام کارمندان مسلکی و حمایتی خود را بازنگری نموده و افراد آلوده به فساد را شناسایی و در مورد آنها تدابیر مشخصی را روی دست گیرد. همچنین در این فرمان به لوی سارانوالی دستور داده شده تا در جریان دو ماه آینده دوسیه‌های تمام افراد و اشخاصی که در توقیف به سر می‌برند را بررسی کند. لوی سارانوالی زمان تعیین شده برای انجام تمام کارها در سراسر کشور را یک پروسه غیرممکن خوانده می‌گوید- راه ده ساله را نمی‌شود با دوماه یا شش ماه پیمود.

در این فرمان به اداره عالی مبارزه با فساد اداری هدایت داده شده تا طی دوماه از تطبیق شاخص‌های مندرج استراتژی مبارزه علیه فساد اداری در ادارات دولتی و بخش‌های خصوصی نظارت کرده و نتایج آن را به ریاست‌جمهوری ارایه نماید. همچنان در این فرمان آمده، طی شش ماه داری‌های مشکوک اراکین دولتی و موسسات خصوصی را بررسی به ریاست‌جمهوری گزارش ارایه نماید. کرزی قبلاً نیز بخاطر ثبت داری‌های مقامات فرمان صادر نموده بود و به یخ نوشت و به آفتاب گذاشت. اما عزیزالله لودین؛ رییس این اداره بر تطبیق شدن فرمان به دیده شک و تردید می‌نگرد.

به باور لودین، در دستگاه حکومت هنوز هم افراد و اشخاصی وجود دارد که مانع این فرمان خواهد شد زیرا فساد اداری برای شماری از افراد به عادت تبدیل شده است.

تازمانی که رییس جمهور اقدام به برکناری این افراد نکند، صدور این فرمان نتیجه‌بخش نخواهد بود، زیرا ده‌ها دوسیه در سارانوالی خوابیده و تا اکنون به هیچ کدام آنها رسیده گی صورت نگرفته است.

دولت باید در قدم اول به این دوسیه‌ها رسیده گی نماید تا مردم مطمئن شوند که حکومت توانایی تطبیق فرمان را دارد، و در صورتی که به این دوسیه‌ها رسیده گی نشود این فرمان همانند دیگر فیصله‌های به تاریخ سپرده خواهد شد.

در یک اقدام دیگر کرزی کمیسیون رامانند کمیسیون‌های قبلی ایجاد نمودلی دردی را دوانخواهد کرد.

در کمیسیون مبارزه با فساد اداری که ریاست آن به عهده رئیس ستره محکمه و عضویت وزیر عدلیه، لوی ثارنوال، نمایندگان پارلمان و همچنین نماینده ای از وزارت مالیه عضویت دارند. این کمیسیون از صلاحیت بالایی برخوردار بوده و قرار است عاملین فساد اداری را تا بالاترین سطوح قدرت تحت تعقیب و بازپرسی و مجازات قرار دهد (چیز که امکان ندارد). کمیسیون مبارزه با فساد اداری در حالی شکل می‌گیرد که قبل از آن نهاد‌های دیگری به این منظور تشکیل یافته بود. علاوه بر این کمیسیون‌ها، در قالب تشکیلات هر وزارتخانه، اداره کنترل و تفتیش که وظیفه آنها نظارت بر عملکرد مامورین و حسن اجرای قانون است، نیز وجود دارد.

اما با وجود تمام این نهاد‌های گوناگون حکومت نه تنها قادر به مهار فساد در ادارات نشده است بلکه همین نهاد‌ها خود تبدیل به معضل پیچیده دیگری شده اند. سوالی که هم اکنون در ذهن مردم وجود دارد این است که کمیسیون مبارزه با فساد اداری، میزان فساد در ادارات را افزایش خواهد داد؟. واقعیت این است که با وجود چندین اداره با هدف همسان در کشور، هیچ گونه تعریف مشخصی از شرح وظایف و مکلفیت‌های آنها ارایه نشده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها

در ادارات تداخل وظایف میان ادارات و وزارت خانه ها است که نه تنها سبب کندی کار بلکه باعث هدر رفتن انرژی و توان قوای انسانی وزارت خانه ها و ادارات در منازعات بی خود شده است.

عده ی کثیری از مردم روز به روز فقیرتر و گرسنه تر میشوند، اما کاخ های میلیون دلاری از برکت فساد گسترده اداری، چور و چپاول دارایی ملی و ثروت شخصی در کابل و شهرهای دیگر کشور سر بلند میکنند. شاید بهترین نمونه بی این رسوایی ها، شیرپور، شهرکهای مختلف در شهر کابل، اعمار بلند منزل ها و چپاولگری های سیاف در کابل و قصرها و ساخت و سازهای قوماندان عطا محمد در بلخ و تاراج ها ط تورن اسماعیل در هرات بوده است که نمادی از چپاول کمکهای جهانی و فساد میباشد. بازسازی کشور با پرداخت هزینه های سنگین به عهده چند شرکت بزرگ خارجی در تباری با حلقه های مافیای در بخش اقتصادی گذاشته شد، در حالیکه این سرمایه ها باید در بخشی های هزینه میشد که اقتصاد کشور را بر سرپای ایستاده میکرد. ده سال شانس از همکاری جامعه جهانی به هر دلیلی که باشد، مقصر کسانی اند که در این مدت براریکه قدرت تکیه زده بودند، آنان مسوول همه بی شرایط اند که در این سالها پیش آمده است.

از جانب دیگر بادر و اندوه نمایندگان پارلمان که اکثریت آنان ازین افراد استفاد ه جو و پول پرست اند، با این همه روزگذرنای، پول پرستی، ماست مالی، استفاده جویی و حق تلفی، طی این سال ها باید

برای دفاع از حقوق بر باد رفته مردم، دولت، کابینه، مقامات مسوول و ادارات امنیتی را بخاطر بی توجه ای مورد بازخواست و باز پرس قرار میدادند و از بر باد رفتن حقوق قانونی ملت و از اوضاع وخیم امنیتی، مداخله و دست اندازی کشور های دور و نزدیک، گرسنگی و پریشانی مردم، چور و چپاول دارایی عامه از قبیل رشوت، اختلاس، دزدی، رهنی، قاچاق معادن زمره و لاجورد، قاچاق مواد مخدره، زورگویی و بی بند وباری تفنگداران و جنگ سالاران، بمباردمان کورکورانه و خودسرانه نیروهای خارجی، شهید و معلولیت ده ها افغان و ارسی مینمودند. اما اینان نه تنها از مشکلات مردم نکاستند بلکه خود نیز بر این نتورگرم بطرول پاشیدند.

زورگویی ها بی کفایتی مسولین بلند پایه دولتی استخدام اشخاص مفسد در رده های بلند دولتی غارت کمک های جامعه جهانی غارت بیت المال از سوی برخی وزیران، قوماندانان جهادی جنگسالار، والیان ، ولسوالان و دیگر افراد در ولایات کشور جریان دارد .

کرزی و یاران تفنگدارش در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آورد و تا توانستند با دموکراسی ، آزادی عقیده و بیان در کشور مقابله کرد و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه ی عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران، گسترش قدرت جنایتکاران و حمایت قاطع از آنان، همه و همه نشان از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی ، حقوق بشر، مردمسالاری و عدالت اجتماعی اعتقادی ندارند.

در اداره کرزی روز بروز بر تعداد جرم و جنایت افزود میگردد. چرا جرم و جنایت صد برابر شد؟ در روز روشن غارت مسلحانه ، قاچاق اجبار قیمتی، کودک ربایی ، اختطاف کارمندان بین المللی، ترورهای سیاسی ، غارت کمک های بازسازی ، رشد عقاید منفور بنیادگرایی، زندانی ساختن زنان و رشد فعالیت های روز افزون سرویس های جاسوسی خارجی و بخصوص همسایگان ، رشد تولید و قاچاق مواد مخدر همه و همه کاریست که بشکل از اشکال تفنگداران ، زورگویان و قانون شکنان سهیم اند.